



## «ایران» از تغییر نگاه کشورهای عربی درباره تهران گزارش می دهد

# عقلانیت اعراب در دوره شوریدگی «ترامپ»

### گزارش

مریم سالاری

روزنامه نگار

غرب آسیا به این اعتقاد رسیده بودند می توانند با همکاری بکدیگر امنیت منطقه را تضمین کنند تا شرایطی که در بیش از هفت سال بر روابط ایران و کشورهای عربی بویژه عربستان سعودی حاکمیت داشته، به نظر چندان آسان نمی آمد، اما انتقال قدرت از پادشاه فقید عربستان و اطرافیان ریش سپیدش به ملک سلمان که سررشته کشورش را در این «محمد بن سلمان» ولیعهد جوان خود سپرد در کنار واقعیت‌های بیرونی چون تحول در رویکردی که از سوی ایران بویژه در دولت مسعود پزشکیان در حوزه سیاست منطقه‌ای و همسایگی پدیدار شد، وضعیتی بود که می توانست مقدمه این تغییر بزرگ قرار گیرد. هرچند دیگر بسیار تکراری است که گفته شود ماجرای عربی حمله به امکان دیپلماتیک عربستان از ایران همچون چاشنی انفجاری بمب ساعتی پنهان شده در آن ایران و بازیگران اثرگذار در

تنها لایه سطحی تحولی بود که زیر پوست آن تعارض اجتناب ناپذیر منافع، اختلافات ریشه دار ایدئولوژیک و مداخله کشورهای صاحب قدرت خارج از منطقه که همواره منافع خود را به واسطه فراهم آمدن زمینه رقابت‌های تسلیحاتی و به جیب زدن دل‌های نفتی در تقویت اختلافات و تنش‌های این منطقه یافته بودند، جریان داشت و می توانست بالاگرفتن تنش میان ایران و عربستان را سهل و ممتنع کند. با این همه، این ملغمه بویژه در سال‌های اخیر با چند واقعیت سیاسی درون و بیرون از منطقه، افزونه وضعیت پیچیده تری یافت؛ واقعیتی که نقطه عزیمت آن به تجربه حاکمان نواخته سعودی و متحدان عربی امریکا از حضور «دونالد ترامپ» در رأس دولت امریکا در چهار سال نخست ریاست عربستان از بازی گشت که کشورهای عربی را به این گمان مبتلا کرد که رقص شمشیر رئیس جمهور



می توان اجلاس دو روز پیش ریاض و رویکرد برآمده از آن در رد جاه طلبی‌های جنگ طلبانه نتانیاهو در قبال ایران را پیامی به دولت ترامپ دانست؛

جایی که «محمد بن سلمان» در آن اسرائیل را به ارتکاب نسل کشی در غزه متهم نمود و حملات اسرائیل به ایران را محکوم کرد و سرمایه‌گذاری پدیدار شود. از منظر تصمیم سازان سعودی تحقق این هدف و گام برداشتن در مسیر جدید توسعه صنعتی که بر پایه کاهش نقش نفت در اقتصاد و همراهی با انقلاب چهارم صنعتی طراحی شده است، نمی توانست در بیشتر ترتیبات امنیتی گذشته و در روند تقابل با ایران و اتکای صرف به همبستگی با ایالات متحده ممکن شود. برای این مهم، خارج شدن از ائتلاف‌های دست‌وپاگیر و تغییر جهت متناسب با معادلات نوین منطقه و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی بویژه در رابطه با ایران ضروری می نمود؛ الگویی که در آن، ایران نه دشمن که می توانست رقیبی باشد که ذیل راهبردهای تحول خواهانه هر دو کشور جایی برای همسویی در بخش‌های غیرمتعارض با آن باقی بگذارد. شکل گیری این روند پس از ورود خاورمیانه به دوره پس از ۷ اکتبر اهمیت مضاعف پیدا کرد. چراکه ایران و عربستان از دایره تهدید وجودی برای متوجه یکدیگر خارج شدند، به روند مواجهه پیش روی ایران و امریکا همچون سدی در برابر هر سیاست تقابلی احتمالی در زمین منطقه باشد.

بلند پرواز امریکایی در کنار دشداشه‌پوشان و دست گذاشتن او بر گوی بلورین، آغاز دوره‌ای طلایی در بستر رابطه امریکا و پایتخت‌های عربی خواهد بود. اما آنچه بعدها در مسیر این رابطه رخ داد، چیزی بیشتر از قراردادهای چند میلیارد دلاری تسلیحات به کشورهای عربی و قراردادهای ریزو و درشت دیگر نبود که بر این رابطه استیلا پیدا کرد. این قرابت که جز اعتماد به نفس بی پشتوانه حاصلی برای کشورهای عربی نداشت، تنها به خدمت اجرای پروژه برون سباری سیاست خارجی منطقه‌ای ایالات متحده به تل آویوو و تلاش برای محقق کردن توافق «آبراهام» و عادی سازی رابطه اسرائیل و بازیگران عربی درآمد.

کشورهای عربی در مسیر اتحاد‌های نوین با چنین پیشینه‌ای، همان قدر که عوامل و دلایل برای بالاگرفتن رقابت میان ایران و کشورهای عربی و در رأس آنها عربستان به عنوان کشور صاحب نفوذ منطقه وجود داشت، برخی واقعیت‌ها سبب شد حرکت به سمت گفت‌وگو و حل اختلافات کلید بخورد. نقش پررنگ ایران در ترتیبات سیاسی اتخاذ شده برای حل بحران‌های مزمن منطقه از یک سو و پیشینه گرفتن هزینه‌های عربستان و کشورهای همبانش بر فواید معدودی که از تقابل گرایی در برابر ایران نصیب‌شان می شد، در کنار تحول در راهبردهای کلان سعودی و برخی دیگر از کشورهای عربی همچون امارات از جمله دلایلی بود که تغییر مسیر کشورهای عربی در مناسبات منطقه‌ای را ضروری ساخت. تنها نگاهی به سندی چشم‌انداز ۲۰۲۰ عربستان کافی بود تا فرادستی چشم‌انداز اقتصادی و حرکت این کشور به سمت تبدیل شدن به عنوان هاب جهانی تجارت و سرمایه‌گذاری پدیدار شود. از منظر تصمیم سازان سعودی تحقق این هدف و گام برداشتن در مسیر جدید توسعه صنعتی که بر پایه کاهش نقش نفت در اقتصاد و همراهی با انقلاب چهارم صنعتی طراحی شده است، نمی توانست در بیشتر ترتیبات امنیتی گذشته و در روند تقابل با ایران و اتکای صرف به همبستگی با ایالات متحده ممکن شود. برای این مهم، خارج شدن از ائتلاف‌های دست‌وپاگیر و تغییر جهت متناسب با معادلات نوین منطقه و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی بویژه در رابطه با ایران ضروری می نمود؛ الگویی که در آن، ایران نه دشمن که می توانست رقیبی باشد که ذیل راهبردهای تحول خواهانه هر دو کشور جایی برای همسویی در بخش‌های غیرمتعارض با آن باقی بگذارد. شکل گیری این روند پس از ورود خاورمیانه به دوره پس از ۷ اکتبر اهمیت مضاعف پیدا کرد. چراکه ایران و عربستان از دایره تهدید وجودی برای متوجه یکدیگر خارج شدند، به روند مواجهه پیش روی ایران و امریکا همچون سدی در برابر هر سیاست تقابلی احتمالی در زمین منطقه باشد.

از تل آویوو تبدیل شدند. تغییر بازار سیاست خارجی کشورهای منطقه بویژه عربستان و ترجیح به محدود کردن مداخلات نظامی و حرکت به سمت اتحاد‌های چندقطبی متنوع نیز در چنین فضایی معنادار می شود؛ اینکه کشورهای عربی مواجهه‌ای فرآیندی را از قبال اعتنا و پیوستن به اتحاد‌های نوین در برابر تلاش ایالات متحده آغاز کرده‌اند و به نظر نمی رسد زیر سایه سیاست‌های بلندمدت خود در دولت دوم «دونالد ترامپ» نیز از آن دست بکشند. هرچند هنوز معلوم نیست آیا ترامپ همچنان سعی خواهد کرد شعار «اول امریکا» را همچنان از طریق اتحاد‌های ناسازگار که بیشتر در قالب‌های امنیتی پیش می برد، دنبال کند یا نه، اما آنچه پیداست اینکه او در دولت دوم خود با قبال تازه‌ای از خاورمیانه روبه‌رو خواهد بود. در همین راستا می توان اجلاس دو روز پیش ریاض و رویکرد برآمده از آن در رد جاه طلبی‌های جنگ طلبانه دانست؛ جایی که «محمد بن سلمان» در آن اسرائیل را به ارتکاب نسل کشی در غزه متهم و حملات اسرائیل به ایران را محکوم کرد و از جامعه جهانی خواست تا اقدامات خصمانه اسرائیل در خاک ایران را متوقف کند. بنابراین بعید به نظری رسد ترامپ در چنین شرایطی امکانی برای برهم زدن روندهای سیاسی و دیپلماتیک برای منطقه که به عادی سازی روابط ایران و بسیاری از کشورهای عربی انجامیده است، داشته باشد و قادر باشد منطقه را بار دیگر وارد وضعیت رقابت و خصومت با ایران کند.

### روی گشاده دیپلماسی مبتکرانه تهران

در چنین فضایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همزمان از فرصت تغییر برآمده از روی کار آمدن دولت پزشکیان به خوبی در راستای توسعه روابط منطقه‌ای بهره می برد و در این عرصه فعال تر از همیشه ظاهر شده است؛ موقعیتی که برای رقیب به بی فایده بودن هزینه قطع رابطه معنا می شود. همچنین بود دیپلماسی مبتکرانه‌ای که درست در هنگامه اوج گیری تنش نظامی تهران و تل آویوو از سوی سید عباس عراقچی وزیر خارجه در قریب به اتفاق کشورهای عربی به اجرا درآمد، روی گشاده تهران را برای آغاز روند جدید دولت چهاردهم آشکار کرد؛ روندی که با توجه به تعدد موضوعات متعارض و احتمال بالای وجود تحریکات مخرب فرمانتقه‌ای، سهل و ممتنع به نظری رسد اما آفتور که رضا نصری، کارشناس مسائل سیاست خارجی به «ایران» می گوید: شتاب بخشی‌دهنده دیپلماسی منطقه‌ای برای حضور اثرگذارتر در ترتیبات جدید منطقه‌ای می توانست به سامان دادن هرچه سریعتر نظم جدید بینجامد و در روند مواجهه پیش روی ایران و امریکا همچون سدی در برابر هر سیاست تقابلی احتمالی در زمین منطقه باشد.



جایی می رسند. از این رو آنچه دیده می شود، صرفاً کاهش نفوذ حوزه سیاست در جامعه ایران است. از این شوهه سیاست‌ورزی آبی برای مردم گرم نمی شود، هرچند برای عده‌ای نان دارد. درست شبیه کسانی که تلاش می کنند با فعالیت سایبری در شبکه‌های اجتماعی، آن هم با تکیه بر دو قطبی‌های نخبه‌شده اصولگرا و اصلاح طلب، در حوزه سیاست ایران عرض اندامی کنند. البته نمی توانند، چون پیوندی با ساختارهای عینی جامعه ندارند.



جمله معروفی

از «دنگ شیائو پینگ»

رئیس جمهور

تحولگرایی

چین وجود

دارد که «فرقی

نمی کند گریه

سیاه باشد یا

سفید، گریه

باید بتواند

موش بگیرد.»

اما احزاب،

جریان‌ها و

گروه‌های

سیاسی ایرانی

همچنان به

دنبال اثبات

سفیدی خود

و سیاهی

رقیب هستند.

آنان هیچ

برنامه مدون

و مانیفست

مشخصی

برای نیازهای

ملموس

زندگی ایرانی

ندارند

سیاسی ایرانی

همچنان به

دنبال اثبات

سفیدی خود

و سیاهی

رقیب هستند.

آنان هیچ

برنامه مدون

و مانیفست

مشخصی

برای نیازهای

ملموس

زندگی ایرانی

ندارند

باشند. این بدون تغییر ماندن، چیزی جز عقب افتادن حوزه سیاست از جامعه در حال دگرگونی نیست.

### عملگرایی یا رفتار ایدئولوژیک

به ادبیات و حرف‌های فعالان سیاسی، اعم از اصولگرا و اصلاح طلب نگاه کنید. هنوز با همان دوگانه‌هایی عمل می کنند که در دهه ۷۰ رایج بود. اصلاح طلبان از ضرورت اصلاحات می گویند، بدون آنکه نیاز داشته باشند اصلاحات دهه ۷۰ را بر اساس اقتضات قرن جدید بازتعریف کنند. اصولگرایان هم با استفاده از ادبیاتی مثل غریکرا، نفوذی، مدیریت اشرافی و مانند اینها با طرف مقابل رقابت می کنند. عمده تمرکز و تکیه این دو جریان بر گفتمان است؛ بر ادبیات، منظومه‌های فکری یا ایدئولوژیک. این در حالی است که جامعه ایرانی نه تنها از آن ادبیات و گفتمان‌های دوگانه صرف عبور کرد، بلکه در زندگی خود دیگر در پی سوبه‌های ذهنی و ایدئولوژیک صرف نیست. جامعه به عملگرایی روی آورده است، آنچه در علوم سیاسی به پرگماتیسم معروف است. نیازهای جامعه دگرگون شده ایرانی، عینی است، نیازهای ملموس و معطوف به نفس زندگی. این در حالی است که رقابت یا نزاع جریان‌های سیاسی، نه با رویکرد به زندگی، بلکه با توضیح و تبیین گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های حزبی صورت می گیرد. جمله معروفی از «دنگ شیائو پینگ» رئیس جمهور چین وجود دارد که «فرقی نمی کند گریه سیاه باشد یا سفید، گریه باید بتواند موش بگیرد.» اما احزاب، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی ایرانی همچنان به دنبال اثبات سفیدی خود و سیاهی رقیب هستند. آنان هیچ برنامه مدون و مانیفست مشخصی برای نیازهای ملموس زندگی ایرانی ندارند.

### کاهش شدید نفوذ سیاست بر جامعه

بار دیگر جمله پزشکیان را مرور کنیم: «اگر قرار بود با شیوه‌های قبلی شرایط درست شود، درست می شد و روزه‌روز بدتر نمی شد، بنابراین باید از آن روش‌ها و ایدئولوژی‌های آرزو‌ها و سبک زندگی هم تغییر کرده است. این تغییرات اقتضا می کند احزاب ادبیات و چهارچوب فعالیت خود را با جامعه تطبیق دهند. اینکه می بایست احزاب و جریان‌های سیاسی جدیدی هم ایجاد شوند که بتوانند گروه‌های اجتماعی جدید ایران را نمایندگی کنند. این اتفاق نیفتاد. به رغم تغییرات سریع جامعه ایرانی، احزاب و جریان‌های سیاسی همچنان بدون تغییر مانده‌اند. احزاب جدید دشواری می توان براساس طیف بندی سیاسی

تغییراتی که جامعه ایران به خود دیده است عمده تغییر جامعه ایران در ۳ دهه گذشته ناشی از تحولات اقتصادی است. تورم مزمن و تحریم‌ها، دست کم به لحاظ اقتصادی باعث کوچک شدن طبقه متوسط شده است. هرچند این طبقه اکنون به صورت فرهنگی اجتماعی اندازه سابق خود را حفظ کرده است. افزایش طبقات فرودست و افزوده شدن به ایرانیانی که زیرخط فقر زندگی می کنند، گسترش شدید ارتباطات و تبدیل فضای مجازی به بخش جدایی ناپذیر زندگی در نهایت جابه جایی گروه‌های مرجع، تغییرات دیگری است که ایران در ۳ دهه گذشته تجربه کرده است. این تغییرات، باعث تقویر در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شده است. به این ترتیب، اکنون تنوع و چندگانگی جامعه ایرانی، نه تنها بیشتر از دهه ۷۰ است، بلکه بر پایه آن، نیازها، چهارچوب ذهنی، آرزو‌ها و سبک زندگی هم تغییر کرده است. این تغییرات اقتضا می کند احزاب ادبیات و چهارچوب فعالیت خود را با جامعه تطبیق دهند. اینکه می بایست احزاب و جریان‌های سیاسی جدیدی هم ایجاد شوند که بتوانند گروه‌های اجتماعی جدید ایران را نمایندگی کنند. این اتفاق نیفتاد. به رغم تغییرات سریع جامعه ایرانی، احزاب و جریان‌های سیاسی همچنان بدون تغییر مانده‌اند. احزاب جدید دشواری می توان براساس طیف بندی سیاسی

هم نیامده‌اند که نماینده نیازهای جدید

اجتماعی و سیاسی ایران تنوع بیشتری داشت) به یک دوگانه سیاسی هم تبدیل شده بود. بر پایه همین دوگانه، گفتمان‌های دوگانه، اصلاح طلبی و اصولگرایی هم شکل گرفت، گفتمان‌هایی که در حوزه‌های سیاست، فرهنگ، اجتماع یا سیاست خارجی دیده‌های خود را داشتند. این دو جریان، برای تبیین مطالبات افشاری که نمایندگی می کردند، ادبیات و مفاهیم خاصی داشتند. اما امروز یعنی سال ۱۴۰۳ قریب به ۳ دهه از آن دوره گذشته است. جامعه ایران بسیار دگرگون شده و تحولات و تغییرات بسیاری را به خود دیده است. اما احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در همان دهه ۷۰ باقی مانده و قدامی پیش نیامده‌اند. این ادعا که احزاب و جریان‌های سیاسی در ایران تغییر نکرده‌اند، با توجه به ادبیاتی که به کار می برند، صورت بندی آنان از مسائل کشور و بالاتر از آن، صورت بندی جامعه ایران قابل فهم است.

چرا توپخانه افراطی‌ها علیه تصمیم جدید در مورد توقف مازوت سوزی کار نمی کند؟

## وفاق جامعه و دولت علیه رادیکال‌ها

### گزارش

مرتضی گل پور

روزنامه نگار

«اگر قرار بود با شیوه‌های قبلی شرایط درست شود، درست می شد و روزه‌روز بدتر نمی شد، بنابراین باید از آن روش‌ها و شیوه‌ها دست برداریم.» این سخن رئیس جمهور در جلسه رای اعتماد به وزرای پیشنهادی است. برداشت تحلیلگران این بود که این سخن بر شکست مدیریتی و شیوه‌های اجرایی کشور دلالت دارد و بیانگر این است که مدیریت به شیوه گذشته و تصمیم گیری به روال سابق، دیگر جوابگو نیست. اما بررسی بیشتر، به ما می گوید دلالت‌های این سخن پزشکیان فراتر از حوزه مدیریت و اجرایی کشور است، زیرا حوزه سیاست و فرآیندهای سیاسی جامعه هم درست مانند مدیریت و اجرا، دچار فرسایش و عقب ماندگی شده است. حوزه سیاست ایران اعم از کنش سیاسی، روش‌های رقابت سیاسی، مفاهیم، چهارچوب‌های ذهنی و رفتارهای حزبی و سیاسی در ۳۰ سال گذشته بدون تغییر مانده‌اند. همه چیز سیاست داخلی ایران ثابت و بدون تغییر مانده، اما جامعه تغییر کرده است. دلیل اینکه حوزه سیاست ایران دیگر آن نفوذ کلام و تأثیر سابق را در جامعه ندارد، وجود همین فاصله است. کویی جامعه و حوزه سیاست دو سر یک طیف هستند که هر یک به سمت مخالف حرکت می کند.

### نیات احزاب؛ تغییر جامعه

احزاب یا جریان‌های سیاسی، محصلول شکاف‌های تاریخی و گوناگونی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی هستند. احزاب به وجود می آیند تا منافع، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های گروه‌های مختلف اجتماعی را نمایندگی کنند، گروه‌هایی که بر پایه آن شکاف‌ها و ساختارها سامان می یابند. این تعریف از جریان‌های سیاسی به وضوح در دهه ۷۰ شمسوی دیده می شد. اصلاح طلبان، عمدتاً ارزش‌ها و منافع طبقه متوسط را نمایندگی می کردند که اکثریت جامعه را تشکیل می دادند. اصولگرایان هم منافع و دیدگاه‌های افشار تاریخی تر و سنتی تر را نمایندگی می کردند. به این ترتیب، دوگانه ساختاری عمده در ایران (البته ساختار

### دیگه چه خبر؟

### توضیح دیوان عدالت درباره رد شکایت علیه ظریف

«خبر اول اینکه، اخیراً یک فرد حقیقی درباره انتصاب محمد جواد ظریف به سمت معاونت راهبردی رئیس جمهور شکایتی را تنظیم کرد که دیوان عدالت اداری آن را رد کرد. دیوان در واکنش به ادعای فرد یاد شده در فضای مجازی، توضیحاتی را درباره چرایی رد شکایت منتشر کرد. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، شکایت به عمل آمده قابل طرح در هیأت عمومی نبوده و باید وفق ماده ۳ قانون دیوان در شعب بدوی مطرح و مورد رسیدگی قرار گیرد. همچنین با توجه به مطالب ذکر شده در مورد مرجع صالح رسیدگی به شکایت، موضوع در راستای مقررات حاکم به یکی از شعب ارجاع و وفق مقررات رسیدگی قانونی به عمل آمد. در شکایت مطرح شده نسبت به انتصاب به عمل آمده توسط ریاست جمهوری اسلامی ایران، قاضی رسیدگی کننده به موضوع باید اساس مفاد رأی صادره از شعبه بدوی و بر اساس استدلال منطبق بر موازین قانونی (که بخشی از آن مورد اشاره قرار گرفت) شکایت مردود اعلام شده است.»

### مواضع گزینه احتمالی وزارت خارجه ترامپ درباره ایران

«خبر دیگر اینکه، براساس گمانه‌زنی‌های رسانه‌های امریکایی، دونالد ترامپ رئیس جمهور منتخب این کشور بزودی سناتور «مارکو رابویو» از فلوریدا را به عنوان وزیر امور خارجه معرفی خواهد کرد. بنا بر اعلام نیویورک تایمز، رابویو که در سال ۲۰۱۰ به مجلس سنای امریکا راه یافته، به عنوان یک سیاستمدار تندرو در سیاست خارجی شناخته می شود و پیشتر، مواضع تند علیه چین، ایران، ونزوئلا و کوبا اتخاذ کرده است. اخیراً نیز رابویو حمایت قاطعانه‌ای از جنگ اسرائیل در غزه داشته است.»

او در پاسخ به یک فعال صلح که درباره تلفات غیرنظامیان فلسطینی پرسیده بود، گفته بود که «حماص» ۱۰ درصد مقصر است. «با این حال، جاری ساختن دوباره راهبرد «فشار حداکثری» علیه ایران که در دولت اول ترامپ اتخاذ شده بود، همچنان محل بحث محافل دیپلماتیک داخلی و خارجی است. بویژه آنکه شیپ بلین‌المری در سال‌های اخیر از جمله در منطقه غرب آسیا و همچنین پدید آمدن ائتلاف‌های نوظهور همچون بریکس، معادلات سابق را تغییر داده است.»

### یک رسانه امریکایی: ترامپ چک سفید به نتانیاهو نمی دهد

«دست‌آخراينکه، یک رسانه امریکایی به نقل از منابعی گزارش داد نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با چارپلوسی برای رئیس جمهور منتخب امریکا می خواهد به اهداف خود مبنی بر تغییر ساختار منطقه دست پیدا کند اما ترامپ که ظاهرأ قصد خاتمه جنگ و ناآرامی‌ها در غرب آسیا را دارد، نمی خواهد یک چک سفید به نتانیاهو بدهد. این تشریح خط فکری نتانیاهو را اینگونه تحلیل می کند که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با برجسته سازی ادعاهایی علیه ایران قصد دارد دونالد ترامپ را وسوسه کند تا به رویارویی با ایران بپردازد و از جاه طلبی‌های نتانیاهو مبنی بر مقابله با ایران حمایت کند.»

مناقصه عمومی دو مرحله‌ای خرید، نصب و راه اندازی سرور به شماره ۲۱۸

شرکت خدمات ارتباطی رایتل در نظر دارد در راستای حمایت از توان تولید داخلی، نسبت به خرید، نصب و راه اندازی سرور مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای و به شرح مندرج در اسناد مناقصه، اقدام کند. بر این اساس از تمامی اشخاص حقوقی دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه، حداکثر تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۷ به بخش «مناقصه» در سامانه معاملات الکترونیکی رایتل (سمارای) به نشانی <https://sama.rightel.ir> مراجعه کنند.

تضمین شرکت در مناقصه (ضمانتنامه بانکی/ چک تضمین شده بانکی): مبلغ: ۳۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (سی و سه میلیارد) ریال زمان و مکان تحویل پیشنهاد: حداکثر تا ساعت ۱۷ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۷ به نشانی تهران، خیابان ولی عصر (عج) رویروی پارک ملت، خیابان استاد نجف دریابندری (ارمغان غربی سابق) تقاطع مهرداد، پلاک ۱، دبیرخانه حراست

راه‌های ارتباطی جهت کسب اطلاعات بیشتر: ۰۲۱-۲۷۵۶۴۵۹ Tenders@rightel.ir

آگهی مناقصه عمومی شماره ۰۱-۰۸-۱۴۰۳

شرکت صنایع شیر ایران (پگاه) در نظر دارد خدمات بیمه تکمیل درمان و عمر و حوادث گروهی کارکنان، بیمه نامه آتش‌سوزی، مسؤولیت، باربری، وجوه در صندوق، لیفتراک و تانکر، ثالث و بدنه خودرو، به شرکت‌های بیمه معتبر و مورد تأیید بیمه مرکزی ایران واگذار نماید. لذا بدین وسیله از کلیه متقاضیان واجد صلاحیت دعوت می‌گردد در صورت تمایل، برای خرید اسناد مناقصه و تکمیل و ارائه پیشنهاده‌ها حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۷ به واحد حراست شرکت به نشانی تهران - خیابان آفریقا - پایین تر از چهارراه حقانی (جهان کودک) - نبش خیابان بیست و سوم - شماره ۶ طبقه سوم تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۶۱۱۳۳ مراجعه نمایند.

شرکت در رد یا قبول تمام یا برخی از پیشنهاده‌ها مختار است. کلیه هزینه‌های مربوط به مناقصه بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

تحویل اسناد مناقصه، منوط به ارائه معرفی‌نامه کتبی همراه با امضای مجاز و مهر شرکت می‌باشد.